

● مقدمه

خانواده منبع بزرگ حمایت، صمیمیت (intimacy) و دلبستگی (attachment) انسان است. نیاز به عشق یا دلبستگی، بنیادی‌ترین نیاز روانی و بیولوژیکی آدمی است. اما برخی تعاملات ناسالم موجود در خانواده موجب ترس و اضطراب اعضای خانواده می‌شود (کامیاب‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). از خشونت خانگی (domestic violence) به‌عنوان نمونه‌ای از تعاملات ناکارآمد خانواده نام برده می‌شود که شامل خشونت به همسر (partner abuse)، خشونت به فرزند (child abuse)، خشونت نسبت به سالمندان (elder abuse) و خشونت فرزند نسبت به والدین (child-to-parent violence) است (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۱). کوتزل (۲۰۰۱) خشونت فرزندان نسبت به والدین را والدآزاری (parent abuse) نامیده است. اصطلاح والدآزاری را نخستین بار پاگلو (۱۹۸۴)؛ به نقل از اکستین، (۲۰۰۲) در بحث بدرفتاری و سوءاستفاده از والدین سالخورده توسط فرزندان، به‌کار گرفت. والدآزاری رفتاری است که به شکل عاطفی، کلامی، فیزیکی و مالی به قصد کنترل کردن والدین انجام می‌گیرد (هولت، ۲۰۱۲). یکی از پیچیده‌ترین جنبه‌های والدآزاری این است که والدین خود را در قبال فرزندشان مسئول می‌دانند، درحالی‌که درگیر تناقض بین احساس دوست داشتن و محافظت کردن از فرزند خود و مورد آزار قرارگرفتن توسط او هستند (مورفی - ادوارد، ۲۰۱۲).

پژوهشی نشان داد که ۹ درصد خانواده‌ها در ایالات متحده با والدآزاری مواجه هستند و از هر ۱۲ مجرمی که به علت تعرض خانگی، مورد توجه قانون قرار گرفته است، یک نفر آنها از نوجوانان زیر ۱۸ سال بوده است که والدین خود را مورد خشونت قرار داده است (اویدو، ۲۰۱۹). والدآزاری می‌تواند به شکل کلامی، مانند مشاجره، فحاشی و داد و فریاد و یا به‌صورت اقدامات خشونت‌آمیز فیزیکی که شامل ضربه، هل دادن، سیلی و شکستن وسایل باشد. همچنین نوجوانان علاوه بر خشونت روانی و جسمی از اشکال روان‌شناختی خشونت استفاده می‌کنند که به اندازه خشونت فیزیکی و روانی زیان‌بار است (کوتزل، ۲۰۰۱). مارگولین و باکوم (۲۰۱۴) در مطالعات خود نشان دادند که آزار والدین در یک نمونه آماری ۷۵ درصد از نوع کلامی و ۲۲ درصد از نوع فیزیکی بوده است.

عوامل فردی و اجتماعی بسیاری مانند ویژگی‌های فردی، پویایی‌های خانوادگی، سابقه خشونت خانگی از عوامل مسبب والدآزاری به‌شمار می‌آیند (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). خشونت خانگی یکی از پیشین‌های والدآزاری است (استروس و هوتلینگ، ۱۹۸۰)؛ به نقل از اویدو، ۲۰۱۹؛ کنتراس و دل کارمن کانو، ۲۰۱۶). چندین مطالعه نشان داده است که مادرآزاری توسط پسران در خانواده‌هایی که در آن خشونت خانگی رخ می‌دهد بیشتر است اما در رابطه با پدرآزاری رابطه معناداری پیدا نشد و نتایج نشان داد پسران از رفتار پدران الگوبرداری می‌کنند (بکسر و همکاران، ۲۰۰۹). خانواده به‌ویژه خانواده منسجم (cohesive family) نقش مهمی در سازگاری و سلامت ایفا می‌کند (علیزاده و یاری دهنوی، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها حاکی از آن است کودکان متعلق به خانواده منسجم حمایت بین‌فردی بیشتری را ادراک می‌کنند و رضایت بیشتری از زندگی دارند و جامعه‌پذیرتر هستند. فرزندان متعلق به خانواده منسجم عزت‌نفس بالاتری دارند، درحالی‌که فرزندان خانواده آشفته بیشتر مستعد پرخاشگری و ستیزه‌جویی هستند (موریا و همکاران، ۲۰۱۴).

تنش ناشی از تعارض زناشویی فقط به روابط میان زوجین ختم نمی‌شود بلکه بر دیگر روابط درون خانوادگی به‌ویژه، روابط فرزندان نیز تأثیر می‌گذارد. تعارض زناشویی، تأثیر منفی در مورد رشد اجتماعی و روانی کودک دارد (دیویس و همکاران، ۲۰۰۶). از طرف دیگر نتایج پژوهش ایباب و جارگوینار (۲۰۱۰) نشان داد که بین عزت‌نفس و والدآزاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. مطالعات در رابطه با نوجوانان و مسائل مربوط به آنها نشان داده است که کمبود عزت‌نفس موجب بروز مشکلات رفتاری در نوجوانان می‌شود (هریس و همکاران، ۲۰۱۸). تاب‌آوری یکی از اساسی‌ترین و مهمترین مبنای سلامت روانی افراد است (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۹). تاب‌آوری، یعنی بازگشت به تعادل و یا رسیدن به سطح بالاتر از آن است که منجر به سازگاری موفق در زندگی می‌شود (رضازاده مقدم و همکاران، ۱۳۹۷). فرزندان خانواده‌های آشفته نسبت به سایر کودکان تاب‌آوری پایین‌تری دارند (وینبرگ، ۲۰۱۵).

والدآزاری از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ پژوهشی ما کمتر به آن پرداخته شده است تا جایی که بعضی اوقات رفتارهای پرخاشگرانه فیزیکی فرزندان به‌عنوان والدآزاری تعریف نمی‌شود. پژوهش‌هایی انجام شده که رابطه بعضی عوامل را با والدآزاری نشان داده است (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲)، اما پژوهشگران این پژوهش به پژوهش‌هایی که عوامل اثرگذار مستقیم و غیرمستقیم را نشان دهد، دست نیافتند. در این زمینه نیاز به پژوهش‌هایی است که بررسی کند چه متغیرهای خانوادگی و فردی بر دانش‌آموز اثر می‌گذارد

که موجب والدآزاری می‌شود. لذا این پژوهش در جستجوی پاسخ این سؤال است که آیا انسجام خانوادگی از طریق خشونت خانگی، تعارض زناشویی، عزت‌نفس و تاب‌آوری با والدآزاری رابطه دارد؟

• روش

در این پژوهش جهت بررسی مدل پیشنهادی از تحلیل مسیر استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه اول و دوم مقطع متوسطه شهرستان شهرکرد بودند که در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به تحصیل اشتغال داشتند. نمونه این پژوهش ۸۰۰ نفر بودند که از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند. بدین منظور با توجه به شرایط خاص بیماری کرونا، محدودیت تردد و ارتباطات اجتماعی و عدم اجرای به شکل حضوری و نیز تعطیلی مدارس پرسشنامه‌های پژوهش به صورت لینک ساخته شد و از طریق شبکه اجتماعی شاد و با همکاری مدیران و معلمان در گروه‌های مجازی مدارس دخترانه و پسرانه دوره اول و دوم متوسطه شهر شهرکرد انتشار یافت. همچنین نحوه مصاحبه سؤالات پرسشنامه در ابتدای پرسشنامه توضیح داده شد و از دانش‌آموزان خواسته شد، پس از پاسخ به سؤالات مربوط به بخش دانش‌آموزان پرسشنامه را در اختیار مادران قرار داده تا مادران با پاسخ‌دهی به سؤالات مخصوص به بخش مادر دانش‌آموز به تکمیل پرسشنامه اقدام کنند. در نهایت پس از حذف ۲۱ پرسشنامه ناقص، ۷۷۹ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از این نمونه، ۴۵۷ دانش‌آموز دختر و ۳۲۲ دانش‌آموز پسر بودند که دامنه سنی آنها بین ۱۳ تا ۱۹ سال بود و از این نمونه، ۴۲۴ نفر دانش‌آموز متوسطه اول و ۳۵۵ نفر دانش‌آموز متوسطه دوم بودند. تحصیلات مادران در مقطع تحصیلی زیر دیپلم ۲۵۵ نفر، دیپلم ۲۷۲ نفر، فوق دیپلم ۷۹ نفر، کارشناسی ۱۴ نفر، مدرک کارشناسی ارشد ۴۵ نفر، دکتری ۱۴ نفر بود. از این تعداد ۱۹۹ نفر شاغل و ۵۸۰ نفر خانه‌دار بودند که در دامنه سنی ۳۰ تا ۶۰ سال قرار داشتند.

• ابزارها

الف. مقیاس والدآزاری (فرم پسران) (parent abuse scale-boy version- PAS-bv): مقیاس والدآزاری (فرم پسران) یک مقیاس ۲۲ ماده‌ای است که برای سنجش سه بُعد والدآزاری (مالی، فیزیکی و عاطفی) در پسران نوجوان جامعه ایرانی در شهر اهواز توسط عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۷) ساخته شده است. این مقیاس سه بُعد والدآزاری را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (هیچوقت) تا ۵ (همیشه) می‌سنجد. در این مقیاس علاوه بر سه نمره والدآزاری (مالی، فیزیکی و عاطفی)، یک نمره کل با حداقل ۲۲ و حداکثر ۱۱۰ برای هر آزمودنی محاسبه می‌شود. نمره بالا در این مقیاس نشانه میزان بالای والدآزاری است. ضریب اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرونباخ در پژوهش عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۷) برای کل مقیاس ۰/۹۸ و روایی این مقیاس بر اساس ساختار سه عاملی تأیید شده است. در این پژوهش نیز اعتبار نمره کل این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد. لازم به ذکر است که این مقیاس توسط مادر دانش‌آموز تکمیل شد.

ب. مقیاس والدآزاری (دختر-مادر) (parent abuse scale-girl version- PAS-gm): مقیاس والدآزاری (دختر-مادر) یک مقیاس ۱۴ ماده‌ای است که برای سنجش دو بُعد والدآزاری (فیزیکی و عاطفی) در دختران نوجوان جامعه ایرانی توسط عباس‌پور و همکاران (۲۰۱۹) ساخته شده است. این مقیاس دو بُعد والدآزاری را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (هیچوقت) تا ۵ (هرگز) می‌سنجد. در این مقیاس علاوه بر دو نمره والدآزاری (فیزیکی و عاطفی) یک نمره کل با حداقل ۱۴ و حداکثر ۷۰ برای هر آزمودنی محاسبه می‌شود. نمره بالا در این مقیاس نشانه میزان بالای والدآزاری است. نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که این مقیاس از دو عامل فیزیکی و عاطفی تشکیل شده است و آلفای کرونباخ نمره کل این ابزار ۰/۹۱ گزارش شد (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۱۹). در این پژوهش نیز اعتبار نمره کل این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد. لازم به ذکر است که این مقیاس توسط مادر دانش‌آموز تکمیل شد.

ج. مقیاس مواجهه کودک با خشونت خانگی (child exposure to domestic violence scale- CEDVS): مقیاس مواجهه کودک با خشونت خانگی توسط ادلسون و همکاران (۲۰۰۸) برای اندازه‌گیری درجه مواجهه با اشکال مختلف خشونت خانگی طراحی شده است. نسخه اصلی این مقیاس مشتمل بر ۳۳ ماده است و در مجموع ۷ خرده مقیاس نمرات در مورد یک طیف چهار

گزینه‌ای صفر (هرگز) تا ۳ (تقریباً همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بیشتر در هر خرده مقیاس، نشان‌دهنده مواجهه بیشتر کودک در آن مورد است. ادلسون و همکاران (۲۰۰۸) آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها را از ۰/۵۹ تا ۰/۸۵ و برای مقیاس کلی ۰/۸۶ گزارش کردند. رحیمی و همکاران (۱۳۹۰) برای بررسی روایی این مقیاس آن را به صورت همزمان با پرسشنامه خشونت جسمی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان‌دهنده روایی مطلوب آن بود. در این پژوهش نیز اعتبار نمره کل این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد. در این پژوهش این مقیاس توسط دانش‌آموز تکمیل شد.

د. مقیاس تعارض زناشویی والدین (parental marital conflict scale- PMCS): مقیاس تعارض زناشویی والدین لویز (۱۹۸۶) برای سنجش تعارض و بی‌ثباتی رابطه زناشویی استفاده می‌شود. این مقیاس شامل ۴ خرده مقیاس فرزندان، ترس خانوادگی از جدایی، تبادل نقش والد- فرزند و تعارض زناشویی والدین است و توسط فرزندان پاسخ داده می‌شود. در این پژوهش از خرده مقیاس تعارض زناشویی استفاده می‌شود که ۱۳ ماده دارد. این مقیاس تعارض زناشویی را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۵ (کاملاً درست) تا ۱ (کاملاً نادرست) می‌سنجد. دامنه نمره‌های افراد در این خرده مقیاس بین ۱۳ تا ۶۵ است که نمرات بالاتر، تعارض زناشویی بیشتر را نشان می‌دهد. لویز (۱۹۸۶) اعتبار کل این مقیاس را ۰/۹۰ گزارش کرد. وی همچنین اعتبار سازه این مقیاس را قابل قبول گزارش کرد. ضریب اعتبار پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در پژوهش عبادی و برون (۱۳۹۲) ۰/۸۳ به دست آمد. روایی محتوایی این مقیاس در پژوهش عبادی و برون (۱۳۹۲) توسط نظر اساتید و صاحب نظران روان‌شناسی مورد تأیید گزارش شده است. در این پژوهش نیز اعتبار نمره کل این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد. در این پژوهش این مقیاس توسط دانش‌آموز تکمیل شد.

ه. پرسشنامه انسجام خانواده سامانی (Samani family cohesion questionnaire- SFCQ): سامانی (۱۳۸۱) پرسشنامه انسجام خانواده را بر پایه بررسی متون موجود و با الهام از الگوی ترکیبی السون (۱۹۹۹) ساخت. این پرسشنامه ۲۸ ماده‌ای از طریق فرزندان خانواده پاسخ داده می‌شود. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره‌گذاری می‌شود. اعتبار این پرسشنامه به روش بازآزمایی ۰/۹۰ و به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش شده است (سامانی، ۱۳۸۱). در پژوهش زارع و سامانی (۱۳۸۷) برآورد روایی این پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب همبستگی هر ماده با نمره کل به مقدار ۰/۶۸ به دست آمد و تمام ضرایب معنادار بود. در این پژوهش نیز اعتبار نمره کل این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد.

و. مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ (rosenberg self-esteem scale- RSS): این مقیاس توسط روزنبرگ (وینچ، ۱۹۶۵) به منظور سنجش میزان عزت‌نفس افراد ساخته شد. این مقیاس دارای ۱۰ ماده است که بر اساس درجه‌بندی لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، درجه‌بندی شده است. ثبات و تکرارپذیری نتایج حاصل از این ابزار خوب تا عالی گزارش شده است. رجیبی و بهلول (۱۳۸۶)، اعتبار این مقیاس را با کاربرد روش آلفای کرونباخ در کل نمونه دانشجویی ۰/۸۴، در دانشجویان پسر ۰/۸۷ و در دانشجویان دختر ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. این مقیاس از روایی درونی رضایت‌بخشی (۰/۷۷) برخوردار است. ضریب اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۴ به دست آمد. در این پژوهش این مقیاس توسط دانش‌آموز تکمیل شد.

ز. مقیاس تاب‌آوری کانر-دیویدسون (Connor- Davidson resilience scale - CD-RS): مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون ۲۵ ماده دارد و در یک مقیاس پنج درجه‌ای بین ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر در این مقیاس تاب‌آوری بیشتر را نشان می‌دهد. کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس تاب‌آوری را ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. روایی این مقیاس به روش تحلیل عوامل و روایی همگرا و واگرا و اعتبار به روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ توسط سازمان سازندگان مقیاس (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) در گروه‌های مختلف ارائه کرده است که همگی معنادار بوده است. اعتبار این مقیاس توسط جوکار (۱۳۸۶) به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است که کاملاً منطبق با اعتبار گزارش شده توسط سازندگان مقیاس بوده است. در این پژوهش نیز اعتبار نمره کل این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد. در این پژوهش این مقیاس ابزار دانش‌آموز تکمیل شد.

• یافته‌ها

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره

شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
انسجام خانوادگی	۱۰۴/۴۷	۲۲/۷۴	۳۴	۱۴۰
خشونت خانگی	۱۴/۲۶	۱۱/۹۵	۰	۸۳
تعارض زناشویی	۲۸/۶۵	۶/۷۰	۱۷	۵۵
عزت نفس	۱۲/۰۶	۲/۳۳	۱۰	۲۰
تاب‌آوری	۷۲/۱۰	۱۹/۱۶	۳	۱۰۰
والدآزاری	۲۹/۸۸	۱۰/۱۰	۲۳	۷۰

برای اطمینان از اینکه داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی روش تحلیل مسیر را برآورد می‌کنند، چهار مفروضه تحلیل مسیر شامل، داده‌های گمشده، بررسی داده‌های پرت، نرمال بودن و هم‌خطی چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر هیچ داده گمشده‌ای وجود نداشت. جهت بررسی داده‌های پرت تک‌متغیری، نمره‌های Z متغیرها محاسبه شد. نتایج نشان داد که نمره‌های هیچ یک از آزمودنی‌ها ۳ انحراف معیار بالا یا پایین میانگین نبودند. جهت بررسی نرمال بودن، از ضریب کجی و ضریب کشیدگی استفاده می‌شود. قدر مطلق ضریب کجی هیچ کدام از متغیرها بزرگتر از ۳ و قدر مطلق ضریب کشیدگی هیچ کدام بزرگتر از ۱۰ نبود (مروتی و همکاران، ۱۳۹۲). جهت بررسی هم‌خطی چندگانه، از آماره تحمل و عامل تورم واریانس استفاده شد. ارزش‌های تحمل هیچ کدام از متغیرها کمتر از ۰/۱۰ و ارزش‌های عامل تورم واریانس هیچ کدام از متغیرها بزرگتر از ۱۰ نبود (مروتی و همکاران، ۱۳۹۲). جدول ۲ ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های آماری	۱	۲	۳	۴	۵	۶
عزت نفس	۱	۰/۶۱**	-۰/۳۷**	-۰/۳۴**	۰/۵۴**	-۰/۳۷**
تاب‌آوری	-	۱	-۰/۳۴**	-۰/۳۳**	۰/۵۰**	-۰/۳۳**
خشونت خانگی	-	-	۱	۰/۶۳**	-۰/۴۸**	۰/۵۰**
تعارض زناشویی	-	-	-	۱	-۰/۵۱**	۰/۴۵**
انسجام خانوادگی	-	-	-	-	۱	-۰/۵۴**
والدآزاری	-	-	-	-	-	۱

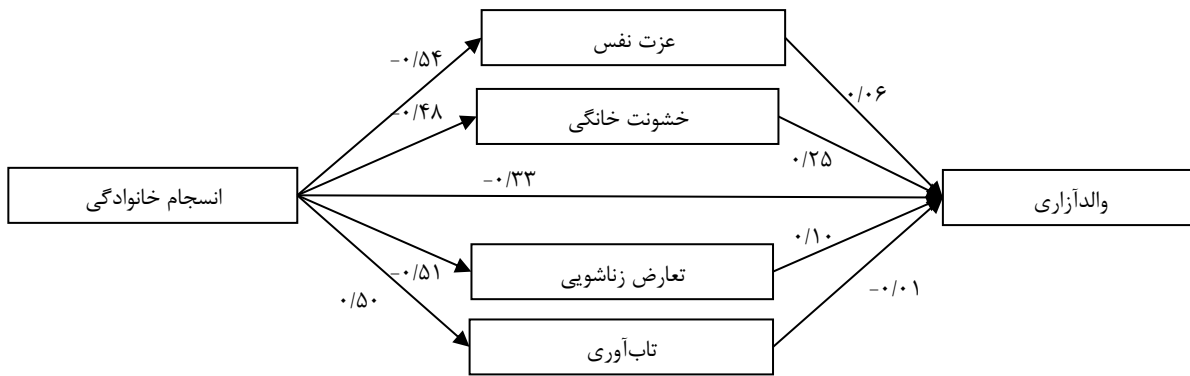
** (p < ۰/۰۱)

در این پژوهش از روش تحلیل مسیر جهت آزمایش مدل مورد نظر و از روش بوت استرپ ماکرو (پریچر و هیز، ۲۰۰۸) برای بررسی روابط غیرمستقیم استفاده شد. برآورد مدل در ۲ گام صورت می‌گیرد: (۱) بررسی برازندگی مدل پیشنهادی پژوهش که شامل شاخص‌های برازش است و (۲) برآورد پارامترهای (ضرایب مسیر استاندارد) مدل پیشنهادی پژوهش. نتایج برازندگی مدل پیشنهادی در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهند که شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی شامل شاخص مجذور خی (AGFI = ۰/۹۵)، مجذور خی نسبی ($\chi^2/df = 5/81$)، شاخص نیکویی برازش (GFI = ۰/۹۹)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI = ۰/۹۵)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI = ۰/۹۹)، شاخص برازندگی افزایش (IFI = ۰/۹۹)، شاخص برازندگی توکر-لویس (TLI = ۰/۹۶) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA = ۰/۰۷۹) حاکی از برازش مدل اصلاح شده است. بنابراین مدل پیشنهادی از برازندگی مطلوبی برخوردار است.

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی

شاخص‌های برازش	χ^2	Df	χ^2/Df	GFI	AGFI	CFI	IFI	TLI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۲۳/۲۵	۴	۵/۸۱	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۰۷۹

الگوی نهایی در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. برون‌داد مدل پیشنهادی

جدول ۴ پارامترهای مربوط به اثرات مستقیم متغیرها بر یکدیگر را در مدل پیشنهادی پژوهش نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که همه مسیرهای مستقیم، دارای ضرایب معنادار می‌باشند. (جدول ۴)

جدول ۴. پارامترهای اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی

P	β	مسیر
۰/۰۰۱	-۰/۲۵	انسجام خانوادگی ← خشونت خانگی
۰/۰۰۱	-۰/۱۵	انسجام خانوادگی ← تعارض زناشویی
۰/۰۰۱	-۰/۰۶	انسجام خانوادگی ← عزت نفس
۰/۰۰۱	۰/۴۲	انسجام خانوادگی ← تاب‌آوری
۰/۰۱	-۰/۱۵	انسجام خانوادگی ← والدآزاری
۰/۰۱	۰/۲۱	خشونت خانگی ← والدآزاری
۰/۰۱	۰/۱۵	تعارض زناشویی ← والدآزاری
۰/۰۱	۰/۲۷	عزت نفس ← والدآزاری
۰/۰۱	۰/۰۶	تاب‌آوری ← والدآزاری

جدول ۵ نتایج حاصل از روش بوت استرپ در برنامه ماکرو و همکاران (۲۰۰۸) را برای روابط واسطه‌ای نشان می‌دهد. حد بالا و حد پایین متغیرهای پیشین در جدول ۵ نشان می‌دهد که خشونت خانگی، تعارض زناشویی، عزت نفس و تاب‌آوری به‌صورت جداگانه میانجی رابطه انسجام خانوادگی و والدآزاری هستند.

جدول ۵. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای

سطح معناداری	حد بالا	حد پایین	بوت	مسیرها
۰/۰۰۱	-۰/۲۰	-۰/۲۸	-۰/۲۴	انسجام خانوادگی ← خشونت خانگی ← والدآزاری
۰/۰۰۱	-۰/۱۹	-۰/۲۷	-۰/۲۳	انسجام خانوادگی ← تعارض زناشویی ← والدآزاری
۰/۰۰۱	-۰/۱۶	-۰/۲۴	-۰/۲۰	انسجام خانوادگی ← عزت نفس ← والدآزاری
۰/۰۰۱	-۰/۱۳	-۰/۲۰	-۰/۱۷	انسجام خانوادگی ← تاب‌آوری ← والدآزاری

• بحث

پژوهش حاضر با هدف شناخت نقش واسطه‌ای خشونت خانگی، تعارض زناشویی، عزت نفس و تاب‌آوری در رابطه بین انسجام خانوادگی و والدآزاری صورت گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین انسجام خانوادگی و خشونت خانگی، تعارض زناشویی، عزت نفس، تاب‌آوری و والدآزاری رابطه معنادار وجود دارد. پژوهش‌های انجام شده نیز نشان داده‌اند بین انسجام خانوادگی و خشونت خانگی (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲؛ میرزایی‌کوتنایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ تایلر و همکاران، ۲۰۱۶)، انسجام خانوادگی و تعارض زناشویی (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲)، انسجام خانوادگی و عزت نفس (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲؛ اسمیت، ۲۰۲۰)، انسجام

خانوادگی و تاب‌آوری (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲؛ مهدوی مزده و همکاران، ۱۳۹۷) و انسجام خانوادگی و والد‌آزاری (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲) رابطه وجود دارد.

در خانواده منسجم اعضا دارای توانایی درک یکدیگر و تفاهم و محیط خانواده دارای جو خانوادگی حمایتی است؛ بنابراین افراد در این نوع خانواده‌ها کمک‌رسان یکدیگر و نسبت به دغدغه‌های همدیگر خود را مسئول می‌دانند و در صدد رفع دغدغه‌های اعضای خانواده می‌کشند (نظیر و همکاران، ۲۰۱۲). بدیهی است که در چنین خانواده‌ای فرزندان خود را ارزشمند دانسته و احترام مثبت از خانواده خود دریافت می‌کنند و این امر منجر به ساخت مفهوم مثبتی از خود در فرزندان می‌شود. در خانواده‌های دارای انسجام بین اعضای خانواده درگیری کمتری رخ می‌دهد بنابراین روابط سازگاران‌ای بین اعضای خانواده برقرار است و این شرایط باعث می‌شود که اعضای خانواده از جمله فرزندان بتوانند نظرات خود را آزادانه بیان کنند و در تصمیم‌گیری‌ها شرکت کنند. همچنین دریافت احترام مثبت از والدین و احساس نزدیکی عاطفی موجب تقویت این باور در کودکان می‌شود که افرادی مهم و مورد پذیرش هستند و کودکان را قادر می‌سازد که مفهوم مثبتی از خود بسازند. شکل‌گیری عزت نفس در فرزندان می‌تواند مانعی برای بروز رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به والدین باشد.

انسجام خانوادگی و رشد دلبستگی ایمن می‌تواند تقویت‌کننده تاب‌آوری در اعضای خانواده باشد. عواملی مانند توجه والدین به فرزندان، تضاد کمتر، عملکردهای خوب فکری و ارتباطات مثبت، سازنده تاب‌آوری هستند. خانواده‌های منسجم کودکانی را پرورش می‌دهند که عشق و علاقه، احترام، گرمی روابط و احساس مسئولیت را در خانواده تجربه کرده‌اند (زارع و سامانی، ۱۳۸۷). روابط حمایتی میان اعضای خانواده و وجود انسجام در خانواده باعث همبستگی و سازش‌یافتگی اعضای خانواده می‌شود و محیط خانواده پیشبینی‌کننده خوبی برای سازش‌یافتگی و پرخاشگری فرزندان است. بنابراین در خانواده‌هایی که انسجام خانوادگی کم است، فرزندان پرخاشگری بیشتری نشان می‌دهند. کودکان خانواده منسجم با مشاهده گرمی روابط و تعهد اعضای خانواده و عملکرد صحیح اعضای خانواده و با همانندسازی و تقلید عملکرد مؤثر را درونی می‌کنند و این امر موجب می‌شود که هنگام مواجهه با مشکلات موقعیتی، راهبردهای مناسب اتخاذ کنند و در روابط بین‌فردی از رفتار پرخاشگرانه کمتری استفاده کنند (شارما، ۲۰۱۲). به عبارت دیگر، فرزندان در مواجهه با ناملایمات، ناکامی‌ها و رفتارهای تحریک‌کننده به‌جای استفاده از خشونت، این موقعیت را موقتی و قابل حل می‌دانند و از مکانیزم‌های شناختی سازگاران‌تری استفاده می‌کنند که مهمترین آن تاب‌آوری است.

از آنجایی که تعارضات زناشویی اجتناب‌ناپذیر هستند، در خانواده‌هایی که انسجام بالایی دارند، زوجین سبک‌های انعطاف‌پذیر و مشارکتی برای مواجهه با تعارضات دارند. این شیوه‌ها می‌تواند مانع شکل‌گیری خشونت خانگی شود. همچنین فرزندان یاد می‌گیرند که تعارض در روابط بین فردی بسیار محتمل است و روش‌های مواجهه والدین با این تعارضات، آموزنده و کاربردی است. این الگوهای تعاملی مثبت و سازنده می‌تواند عامل تسهیل‌کننده‌ای در روابط خانوادگی باشد و به والد‌آزاری منجر نشود.

• نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که خشونت خانگی، تعارض زناشویی، عزت نفس و تاب‌آوری به‌صورت جداگانه، میانجی رابطه انسجام خانوادگی و والد‌آزاری هستند. گرمی و روابط مثبت میان اعضای خانواده و حمایت و انعطاف‌پذیری خانواده و صمیمیت و تخلیه احساسات اعضا و تفاهم جمعی از ویژگی‌های خانواده منسجم است که مانع از درگیری و تمایلات تهاجمی اعضا با یکدیگر می‌شود. از سوی دیگر در خانواده‌های منسجم و خانواده‌هایی که در آنها مشکل خانوادگی وجود ندارد، به‌دلیل وجود رابطه صمیمانه میان اعضا و محبت میان آنها گرایش والد‌آزاری دیده نمی‌شود. همچنین فرزندان با مشاهده الگوهای صحیح رفتاری والدین و کسب مهارت‌های ارتباطی مؤثر می‌آموزند که از راهبردهای صحیح مقابله‌ای جهت حل تعارض‌ها استفاده کنند. در خانواده‌های منسجم که تعارض زناشویی به حداقل می‌رسد، حمایت بیشتر بین اعضا برقرار است. خانواده‌های منسجم با این سطح تعارض زناشویی، احتمالاً فرزندان تربیت می‌کنند که به‌دلیل تفاهم و صمیمیت و همبستگی میان اعضا گرایش کمتری به والد‌آزاری دارند. انسجام خانوادگی یکی از ساختارهایی است که در خانواده نقش مهمی در ایجاد درک و تفاهم در خانواده دارد، گرمی روابط و تعهدی که میان اعضای خانواده است موجب می‌شود فرزندان دارای مسئولیت و تعهد باشند و به تأثیر احتمالی رفتار خود بر دیگران فکر کنند. همین امر احتمالاً باعث کاهش

رفتارهای والدآزارانه در آنها می‌شود. در خانواده‌های منسجم، فرزندان از حمایت عاطفی و مراقبت سازنده بین اعضای خانواده برخوردارند، بنابراین خانواده منسجم تعدیل‌کننده پیامدهای برآمده از برخورد فرزندان با عوامل خطرزا است. با توجه به اینکه جامعه پژوهش حاضر دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم شهرستان شهرکرد و مادران آنان بوده است، لذا در تعمیم نتایج پژوهش به سایر جوامع و فرهنگ‌ها باید احتیاط کرد. همچنین در این پژوهش برای بررسی والدآزاری، فقط ادراک مادران مورد بررسی قرار گرفت. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، برای بررسی والدآزاری، ادراک پدران نیز مورد بررسی قرار گیرد. تعطیلی مدارس و در نتیجه تکمیل ابزارها به صورت آنلاین از محدودیت‌های این پژوهش بوده است. در پژوهش حاضر متغیرهای فردی والدین و تأثیر آنها بر والدآزاری بررسی نشد. با توجه به این که متغیرهای فردی والدین مانند، تاب‌آوری، کمال‌گرایی و عزت‌نفس بر والدآزاری مؤثر هستند، لذا پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی نقش و اثر این عوامل در والدآزاری بررسی شود.

• تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ گونه تعارضی وجود ندارد.

• تقدیر و تشکر

این مطالعه دارای کد اخلاقی EE/1400.3.02.11020/scu.ac.ir و مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز است. بدینوسیله از حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید چمران اهواز در قالب پژوهانه تشکر می‌شود.

• منابع

- شکرکن، حسین؛ ارشدی، نسرین؛ شهنی بیلاق؛ منیجه؛ حقیقی، جمال. (۱۳۸۷). طراحی و آزمودن الگویی از پیشایندها و پیامدهای مهم انگیزش شغلی در کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب منطقه اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، ۱۵(۱)، ۳۲-۱.
- رجبی، غلامرضا؛ بهلول، نسرین. (۱۳۸۶). سنجش پایایی و روایی مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ دانشجویان سال اول دانشگاه شهید چمران. *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، ۳(۲)، ۳۳-۴۸.
- رضازاده مقدم، سونه؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ حمیدی پور، رحیم؛ ثناگو، اکرم. (۱۳۹۷). اثربخشی روان‌شناسی مثبت‌نگر بر امید و تاب‌آوری مادران دارای کودک کم‌توان ذهنی. *مجله روان پرستاری*، ۶(۹)، ۳۷-۳۱.
- زارع، مریم؛ سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان. *خانواده‌پژوهی*، ۴(۱۳)، ۱۷-۳۶.
- سامانی، سیامک. (۱۳۸۱). بررسی مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شیراز.
- عبادی، غلامحسین؛ برون، رضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه تعارض زناشویی و نظارت والدین با انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان. *مشاوره کاربردی*، ۳(۱)، ۳۵-۵۰.
- عباس‌پور، ذبیح‌اله؛ پورسردار، فیض‌اله؛ قنبری، زهرا؛ شاهوری، شیوا؛ شادفر، افروز. (۱۳۹۷). ساخت و اعتباریابی مقیاس والدآزاری (پسر-مادر). *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۸(۳۱)، ۲۳-۴۲.
- علیزاده، مژده؛ یاری دهنوی، مراد. (۱۴۰۰). بررسی پدیدارشناختی عوامل آرامش‌بخش در دانشجویان. *مجله روانشناسی*، ۲۵(۲)، ۱۹۰-۲۱۴.
- کامیاب نژاد، مرضیه؛ سیف نراقی، مریم؛ خوش‌کلام، ارکان. (۱۳۹۰). مقایسه میزان افسردگی و پرخاشگری در برادران و خواهران سالم ۱۲-۶ ساله کودکان درخودمانده اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی. *روانشناسی افراد استثنايي*، ۱(۴)، ۲۲-۱.
- مهدوی مزده، مامک؛ حجازی، الهه؛ نقش، زهرا. (۱۳۹۷). رابطه ادراک ازسبک‌های والدینی با تاب‌آوری: نقش واسطه‌ای عاملیت انسانی. *مجله روانشناسی*، ۲۲(۳)، ۳۲۶-۳۴۳.
- محمدیان، داوود؛ احمدی، صدیقه؛ ایلانلو، حسین. (۱۳۹۹). مقایسه تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجان و راهبردهای مقابله با استرس در دانش‌آموزان دختر و پسر. *رویش روان‌شناسی*، ۹(۵۱)، ۳۷-۴۴.

مروتی، ذکراه؛ شهنی بیلاق، منیجه؛ مهربابی زاده هنرمند، مهناز؛ کیانپور قهفرخی، فاطمه. (۱۳۹۲). رابطه علی محیط یادگیری سازنده‌گرای ادراک شده و عملکرد ریاضی با میانجی‌گری جهت‌گیری درونی هدف، ارزش تکلیف، نگرش نسبت به ریاضی و خودکارآمدی ریاضی در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر اهواز. *دست‌آوردهای روانشناختی*، ۲۰(۱)، ۹۱-۱۲۲.

میرزایی کوتنایی، فرشته؛ حسین‌خانزاده، عباسعلی؛ اصغری، فرهاد؛ شاکری‌نیا، ایرج. (۱۳۹۴). نقش انسجام خانواده در تبیین رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان. *تحول روانشناختی کودک*، ۱(۳)، ۳۲-۱۵.

Abbaspour, Z., Laki, P. S., & Rajabi, G. (2022). The Predictors of Mother Abuse in Male Students: Domestic Violence, Marital Conflict, Family Coherence, Parenting Styles, and Self-esteem. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 16(1):e115767.

Abbaspour, Z., Vassel, G., & Khojastehmehr, R. (2021). Investigating the Lived Experiences of Abused Mothers: A Phenomenological Study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 10(2), 108-114.

Abbaspour, Z., Salehi, S., Koraei, A., Charkhab, N., & Kardani, A. (2019). Development and Validation of Parent Abuse Scale (Girl-Mother Version). *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 13(2):e83010.

Boxer, P., Gullan, R. L., & Mahoney, A. (2009). Adolescents' physical aggression toward parents in a clinic-referred sample. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 38(1), 106-116.

Contreras, L., & del Carmen Cano, M. (2016). Child-to-parent violence: The role of exposure to violence and its relationship to social-cognitive processing. *The European Journal of Psychology Applied to Legal Context*, 8(2), 43-50.

Cottrell, B. (2001). Parent abuse: The abuse of parents by their teenage children. Ottawa, Canada: Family Violence Prevention Unit, Health Canada.

Davies, P. T., Winter, M. A., & Cicchetti, D. (2006). The implications of emotional security theory for understanding and treating childhood psychopathology. *Development and Psychopathology*, 18(3), 707-735.

Eckstein, N. J. (2002). Adolescent-to-parent abuse: A communicative analysis of conflict processes presents in the verbal, physical, or emotional abuse of parents. The University of Nebraska-Lincoln.

Edleson, J. L., Shin, N., & Armendariz, K. K. J. (2008). Measuring children's exposure to domestic violence: The development and testing of the Child Exposure to Domestic Violence (CEDV) Scale. *Children and Youth Services Review*, 30(5), 502-521.

Harris, M. A., Wetzel, E., Robins, R. W., Donnellan, M. B., & Trzesniewski, K. H. (2018). The development of global and domain self-esteem from ages 10 to 16 for Mexican-origin youth. *International Journal of Behavioral Development*, 42(1), 4-16.

Holt, A. (2012). Adolescent-to-parent abuse: Current understandings in research, policy and practice. Policy Press.

Ibabe, I., & Jaureguizar, J. (2010). Child-to-parent violence: Profile of abusive adolescents and their families. *Journal of Criminal Justice*, 38(4), 616-624.

Kitzmann, K. M., Gaylord, N. K., Holt, A. R., & Kenny, E. D. (2003). Child witnesses to domestic violence: a meta-analytic review. *Journal of consulting and clinical psychology*, 71(2), 339-352.

Lopez, F. G. (1986). Family structure and depression: Implications for the counseling of depressed college students. *Journal of Counseling & Development*, 64(8), 508-511.

Margolin, G., & Baucom, B. R. (2014). Adolescents' aggression to parents: Longitudinal links with parents' physical aggression. *Journal of Adolescent Health*, 55(5), 645-651.

Murphy-Edwards, L. (2012). Not just another hole in the wall. An investigation into child and youth perpetrated domestic property violence. Doctoral dissertation, University of Canterbury.

Nazir, S., Saeed, S., Sohail, M. M., Sher, F., Azhar, Z., & Safdar, M. R. (2012). Parental Conflict and Its Effects On Youth Self Esteem (A Study at University of Punjab). *International Journal of Asian Social Science*, 2(9), 1392-1400.

Oviedo, S. (2019). Exploring Narratives of Adolescent-to-Parent Abuse. Doctoral dissertation, City University of New York.

Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2008). Asymptotic and resampling strategies for assessing and comparing indirect effects in multiple mediator models. *Behavior research methods*, 40(3), 879-891.

Schmidt, M. R. (2020). The Role of Attachment, Self-Esteem and Impulsivity on Intimate Partner Violence in Same-and Opposite-Sex Relationships. A Dissertation Presented for the Doctor of Philosophy Degree The University of Tennessee, Knoxville.

Sharma, A. (2012). Correlates of juvenile delinquency: the role of family environment and self-esteem. *Advances in Asian Social Science*, 4(1), 773-777.

Taylor, L. K., Merrilees, C. E., Goeke-Morey, M. C., Shirlow, P., & Cummings, E. M. (2016). Trajectories of adolescent aggression and family cohesion: The potential to perpetuate or ameliorate political conflict. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 45(2), 114-128.

Veinberg, I. (2015). Emotional awareness—the key to dealing appropriately with children of divorced families in schools. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 209, 514-518.

Winch, R. F. (1965). Rosenberg: society and the adolescent self-image (book review). *Social forces*, 44(2), 255.